

نگاه **فاطمه موسوی**، تاریخ‌پژوه

در حالات و مقامات «یاران شیخ شهید»

آنان که بیم از مرگ را به هیچ گرفتند!

۱۱۲ سال قبل در همین ایام، اتفاقی شگفت‌آوری در پایتخت ایران اسلامی شیعیه به‌وقوع پیوست و مجتهد بزرگ مرحوم آیت‌الله حاج شیخ فضل‌الله نوری، در غروب روز ۱۳ رجب مصادف با ۱۱ مرداد سال ۱۲۸۸ش، در میدان توپخانه تهران بر سر دار رفت؛ پرچمی که به‌گفته جلال آل‌احمد، به علامت استیلای غریزدگی، پس از ۲۰۰ سال کشمکش بر بام سرای این مملکت افراشته شد!

شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری، از جمله روحانیونی بود که در پیروزی نهضت مشروطه، نقش مهمی ایفا کرد، اما پس از مشاهده انحراف این نهضت، بنای نهضت، به‌مخالف با روشنفکران غرب‌زده را گذاشت. او از نخستین عالمان اسلامی بود که به نقشه استعمار در جهت اسلام‌زدایی و جایگزین کردن حکومت لائیک تحت پوشش مشروطه و قانون اساسی پی‌برد و سعی کرد تا اجازه ندهد، ملی‌گرایی به جای اسلام‌گرایی بنشیند. جریان غربگرا به‌دنبال این بود که فضای مشروطه غربی یا به تعبیر شیخ‌فضل‌الله نوری پارلمانتاریسم غربی را، وارد کشور کند. نکته مهمی که از طرف علما از جمله شیخ شهید مطرح شد، این بود که اگر قرار است از مدل مشروطه غربی استفاده شود، این مشروطه باید مشروطه مشروعه و عه باشد. بر سسر این مشروعه‌خواهی، کار شیخ به تحصن در زاویه حرم حضرت عبدالعظیم(ع) کشیده شد. عده بسیاری می‌دانستند که شیخ بر سبیل حقیقت صاف و شریعت ناب است، اما ترس، باعث اشتباه در فهم مقتضیات زمان، آنها را از کاروان سرخ شیخ فضل‌الله نوری جدا کرد و به سرای عاقبت برد، اما تعدادی از علما نیز تا آخر در کنار او ماندند. در این میان می‌توان از مجتهدین و علمای بزرگی چون: آقاسیدمحمد کاظم یزدی «صاحب عروه»، شیخ احمد آل کاشف الغطاء، شیخ محمدحسین آل کاشف الغطاء «مصلح معروف» (در نجف اشرف)، حاج میرزا حسن آقا مجتهد تبریزی، شهید میرزا عبدالکریم آقا مجتهد، آقا میرزا صادق آقا مجتهد، آقا میرزا محسن آقا مجتهد (در تبریز)، شهید حاجی ملامحمد خمایی، بحر العلوم رشتی (گیلان)، حاج آقا محسن عراقی (اراک)، آقا سیدمحمدباقر درپچه‌ای، شیخ مرتضی ریزی (اصفهان)، آخوند ملا قربانعلی زنجانی، شهید حاج شیخ حسین جوینی (زنگن)، شهید حاج میرزا ابراهیم خویی «شراح معروف نهج‌البلاغه» (خوی)، آخوند ملا حبیب‌الله شریف کاشانی، آقا سیدمحمدرضا پشت مشهدی «پدر آیت‌الله میرسد علی یرثی» (کاشانی)، آخوند ملا محمدجواد صافی گلبلی‌یکانی، حاج آقا احمد طباطبایی قمی، حاج میرزا محمد قمی «ملقب ارباب» (قم)، حاج شیخ عبدالسلام تربتی «پدر دکتر محمود شهبایی» (تربت)، حاج میر سید احمد طباطبایی «برادر آیت‌الله سیدمحمد طباطبایی شیبوایی مشروطه»، حاجی ملا محمدعلی مجتهد رستم‌آبادی، ملا محمد املی «پدر آیت‌الله شیخ محمدتقی املی»، حاجی میرزا ابوتراب شهیدی قزوینی روح‌الله دادایی قزوینی، حاج شیخ عبدالنهی نوری، حاجی میرزا ابوطالب زنجانی، حاجی آقا علی اکبر بروجرودی و شمس‌العلمای قزوینی، صدرالافاضل، ادیب پیشازاری، شیخ مهدی امامی مازندرانی و حاج شیخ علی لنگرانی «پدر آیت‌الله حاج شیخ حسین لنگرانی معروف» نام برد.

گذری اجمالی بر تاریخ دوران مشروطه خواهی در ایران، به خوبی گواه این مسئله است که دست‌هایی از خارج، با استفاده از عمال داخلی خود توانستند این جریان را که می‌رفت تا ایران را از ظلم استبداد قجری آزاد کند، منحرف سازند و با از میان برداشتن رهبران روحانی آن، ورق را به نفع خودشان برگردانند. در این مقال، مروری کوتاه‌بر رویکرد و عملکرد جماعت‌ازلی و بهائیان، در جریان نهضت مشروطیت در ایران داریم. امید آنکه تاریخ‌پژوهان و عموم علاقه‌مندان را، مفید و مقبول آید.

بهائیت، اعتقاد به جهان وطنی
بهائیت از زمان عباس‌افندی، ایده‌ای به نام «جهان وطنی» را مطرح کرده؛ ایده‌ای که منشأ آن نه‌تنها کوله‌تکری رهبران این فرقه، بلکه به آمده از تفکرات فیلسوفان اومانیست غربی و فراماسون‌های اروپایی و هدف آن شکستن اسلام در دنیا بود. اعتقاد به جهان وطنی، منجر به نابودی علقه‌های ملی در افراد این تشکیلات شده است.
ادوارد براون از جاسوسان انگلیس که یکی از مأموریت‌هایش تقویت ازلیان در کشورهای اروپایی و ارتداد آنها به انگلیس بود، در مورد مواجهه بهائیان نسبت به مشروطیت، ۳نظر به این مطرح می‌کند که شامل منع عباس افندی و رهبر وقت بهائیت از حضور در مسائل سیاسی، تأثیر معنوی نهضت مشروطه از بهائیت که منجر به قیام مردم شده است و مخالفت با مشروطه و حمایت از محمدعلی شاه است. او ادامه این پرسش را مطرح می‌کند: «من مطمئن نیستم که کدام یک از این ۳نظر به حقیقت دارد، اما غالباً از دوستان ایرانی خود این سؤال را می‌پرسم که به یقین بین ایرانی قدرتمند و مستقل که اسلام در رسی آن است، و با ایرانی که ایالتی از روسیه تزاری شده و بهائی گری دین آن شده، کدام انتخاب می‌کند؟…» او با اشاره به اعتقاد بهائی‌ها به جهان وطن بودن، عنوان می‌کند که بهائیان، ایران وامیستند و تحصن دیگری راه انداختند. بزرگ آنها مرحوم آشتیانی، پسر آیت‌الله آشتیانی معروف در نهضت تنباکو و جوان‌ترین آنها میرزا غلامحسین کلههر (جد آیت: حاج شیخ مرتضی و حاج شیخ مجتبی تهرانی) بود. شخصی به نام «صنع حضرت» از چاقوکن‌های آن زمان –که همسان کسی مثل شعبان بی‌مخ در دوران ما بود– این عده را به گلوله بست. تنها یک نفر از آنجا جان سالم به در برد. این تحصن اما نتوانست اعتراض شیخ را ملوث سازد و تحصن تاریخی وی در زاویه حضرت عبدالعظیم(ع)، به مثابه نمادی در تاریخ باقی ماند.



انجمن‌های مخفی بابیه و ازلیه، در نهضت عدالتخانه ایران

مشروطه‌ای که مشروطه نشد!

یک از علمای برجسته نجف، بانجمن ملی همکاری نکردند

یحیی دولت‌آبادی که با وجود ملبس بودن به کسوت روحانیت، از شیفتگان آرمان روشنفکری و یکی از فعال‌ترین افراد انجمن‌های ازلی بود، در شرح اقدام جماعت مذکور در نگارش و انتشار شب‌نامه‌ها علیه رهبران روحانی نهضت عدالت‌خواهی می‌نویسد: «بنا می‌کنند به شب‌نامه و از آقاییان (رهبران روحانی نهضت عدالت‌طلبی) به‌دگویی کردن که عدالت‌خواهی شما چه شد،مجلس‌خواهی شما کجا رفت، پس شما ما را فریب دادید که اسباب ریاست برای خود فراهم کنید،حالا که به ریاست رسیدید، ما را فراموش کردید…… روزبه‌روز فشار مردم، مخصوصاً طبقه روشنفکر و آزادی‌خواه به روحانیون مخصوصاً طباطبایی و بهائیان برای تأسیس عدالتخانه تشویق می‌شود و گاهی هم آنها را متمم می‌کردند که رشوه گرفته‌اند و به سلاز عین‌الدوله می‌رقصد و مردم را بازی می‌دهند…» شریف کاشانی متن یکی از شب‌نامه‌ها را در کتابش ثبت کرده که در آن نوشته شده است: «این مذاکرات و اقدامات علما هم، تمام به جهت جلب منفعت است و گرفتن پول– در یک سال و نیم، غوغای وطن پرستی و ادای ملت‌خواهی علما، منحصر به جلب نفع و اخذ پول بوده است…» میرزا نصرالله‌پهشتی معروف به‌ملک‌المتکلمین نیز از دیگر عناصر بابی بود که برای به‌انحراف‌کشاندن نهضت، با عناصر وابسته به انگلیس نظیر اردشیر رپیورتر ارتباط داشت. او از وعاظ اصفهان بود که به‌گفته ابراهیم صفایی، «به وسیله میرزا اسدالله خان نینزی منشی کنسولگری روس –که از سران ازلیه بود– با این جریان آشنا شد و با کمک میرزا اسدالله‌خان، کتاب رمان گونه «رؤیای صادق» را، ضدعلمای اصفهان نوشت. وی پس از اخراج از اصفهان، به شیراز رفت و به گزارش وقایع‌الافتاقیه، بارها –بین وعظ خود اظهاربابی‌بودن کرد. ملک در سال ۱۲۲۲ق، به تهران آمد و به عضویت در «انجمن ملی» و «کمیته انقلاب» درآماد. اقدامات کمیته انقلاب، تهیه اسلحه و آموزش نظامی جوانان بود که بعدها هسته اولیه «حزب دمکرات» شدند. ملک‌المتکلمین همچنین سخنگوی «انجمن آذربایجان»، از مطرح‌ترین انجمن‌های تندرو بود که رهبری آن را به‌تدریج سیدحسن تقی‌زاده و حیدر عمواوغلی به عهده داشتند که قتل اتابک امین‌السلطان و ترور نافرجام محمدعلی شاه و ترور آیت‌الله سیدعبدالله بهائیان در ارجب ۱۲۲۸ه.ق، از جمله اقدامات این انجمن بود. عباس امانت از اعضای تشکیلات بهائیت، ورود بابی‌ها به عرصه سیاست را به سبب پایبندی به اصل تقیه عنوان می‌کند که با حضور در انجمن‌ها مورد استقبال اصلاط‌طلبان مذهبی و سکولارهای معارض قرار گرفتند و مهم‌ترین هدفشان را مخالفت با علما عنوان می‌کند.

یحیی دولت‌آبادی یکی از عناصری بود که در بست‌نشینی در سفارت انگلیس، در دوره جنبش مشروطه خواهی در ایران، انجمن‌های زیادی شروع به فعالیت کردند. این انجمن‌ها تماماً در اختیار روشنفکران و عوامل آنان قرار داشت که بهائیت و بابت در آنها نشوه قابل توجهی داشتند. در تمامی این انجمن‌ها، در خصوص کنارزدن تدریجی روحانیت از قدرت، بحث می‌شد و کوره حرکت نهضت برای رسیدن به نظام سیاسی همانند دماغ، داغ نگه‌داشته می‌شد. در نشریات نیز با صراحت به اسلام، احکام اسلام و علما توهین می‌شد و تلاش می‌کردند باورهای مردم سست‌تر شود. در این زمان جماعت بابی – ازلی یا پیوستن به انجمن‌های نجفی و آخوندگاران بر توان قابل توجهی بر خوردار شده بودند. نخستین حضور عناصر ازلی نظیر ملک‌المتکلمین و یحیی دولت‌آبادی، در انجمنی سری به نام «انجمن ملی» بود که در سال ۱۲۲۲ه.ق در باغ سلیمان خان می‌کده تشکیل شد و بیشتر فعالیت آنها، درج مقالات در نشریات و نشر و پخش گسترده شب‌نامه‌هایی بود که علیه روحانیت می‌نوشتند. از سویی نیز به‌منظور جلب نظر مساعد علمای نجف و تأثیر گذارن بر الگوی مشروطه و اعمال قوانین سکولار، سیداسدالله خرقانی را به نجف فرستادند تا با آیات آخوند محمد کاظم خراسانی، شیخ عبدالله مازندرانی، میرزا خلیل تهرانی و سیدمحمد کاظم یزدی ارتباط برقرار نماید که البته با وجود همه‌تلاش‌های او، هیچ

«ازلیان» از عضویت در انجمن‌های سری تا بست‌نشینی در سفارت انگلیس!

در دوره جنبش مشروطه خواهی در ایران، انجمن‌های زیادی شروع به فعالیت کردند. این انجمن‌ها تماماً در اختیار روشنفکران و عوامل آنان قرار داشت که بهائیت و بابت در آنها نشوه قابل توجهی داشتند. در تمامی این انجمن‌ها، در خصوص کنارزدن تدریجی روحانیت از قدرت، بحث می‌شد و کوره حرکت نهضت برای رسیدن به نظام سیاسی همانند دماغ، داغ نگه‌داشته می‌شد. در نشریات نیز با صراحت به اسلام، احکام اسلام و علما توهین می‌شد و تلاش می‌کردند باورهای مردم سست‌تر شود. در این زمان جماعت بابی – ازلی یا پیوستن به انجمن‌های نجفی و آخوندگاران بر توان قابل توجهی بر خوردار شده بودند. نخستین حضور عناصر ازلی نظیر ملک‌المتکلمین و یحیی دولت‌آبادی، در انجمنی سری به نام «انجمن ملی» بود که در سال ۱۲۲۲ه.ق در باغ سلیمان خان می‌کده تشکیل شد و بیشتر فعالیت آنها، درج مقالات در نشریات و نشر و پخش گسترده شب‌نامه‌هایی بود که علیه روحانیت می‌نوشتند. از سویی نیز به‌منظور جلب نظر مساعد علمای نجف و تأثیر گذارن بر الگوی مشروطه و اعمال قوانین سکولار، سیداسدالله خرقانی را به نجف فرستادند تا با آیات آخوند محمد کاظم خراسانی، شیخ عبدالله مازندرانی، میرزا خلیل تهرانی و سیدمحمد کاظم یزدی ارتباط برقرار نماید که البته با وجود همه‌تلاش‌های او، هیچ

تاریخ



نمایندگان نخستین دوره مجلس شورای ملی، در یک قاب

مشروطه‌ای که مشروطه نشد!

عمر، با او مکاتبه داشت. طبق گزارش رکن‌الدوله به امین‌السلطان در سال ۱۳۰۸ه.ق، ملک در عکا به‌بها دیدار و مذاکراتی داشته است. در این زمان بهائیان توانستند به وسیله ارتباط با جاسوسان انگلیس در ایران، دامنه فعالیت‌های خود را گسترش دهند. از مهم‌ترین این افراد، اردشیر جی بود. وی در سال ۱۳۱۱ق، از طرف اکابر پارسیان هند، سرپرستی «انجمن ناصری» متعلق به زرتشتیان را به‌عهده گرفت. در این زمان تعدادی از بهائیان، به‌علت ارتباط با اردشیر جی عضو این انجمن شدند که منجر به اعتراض زرتشتیان و ایجاد «انجمن حق‌گوی یزد» برای مقابله با این وضع بود.

بهائیت و ترور یسم مشروطه‌گرا

ترور یسم سیاسی در تاریخ معاصر ایران با آغاز بابی‌گری پیوند خورده است. چنانچه در دوران متأخر قاجار، بابی‌ها ترور امیر کبیر را طراحی کردند و در شوال ۱۲۶۸ه.ق به ترور نافرجام ناصرالدین شاه دست زدند. از آن زمان این شیوه در ایران روستا یافت و به‌ویژه در دوران انقلاب مشروطه مشغی استفاده گردت. فعالیت‌های تروریستی در دوران مشروطه، با نام افرادی مانند احسان‌الله‌خان دوستدار، اسدالله‌خان ابوالفتح‌زاده، ابراهیم‌خان منشی‌زاده و محمدنظر خان مشکات‌الممالک، از مشکات‌الممالک عجین شده است که همگی عضو تشکیلات بهائیت بوده‌اند. فعالیت‌های مخفی اسدالله‌خان ابوالفتح‌زاده، ابراهیم‌خان منشی‌زاده و محمدنظر خان مشکات‌الممالک، از سال ۱۲۲۲ ه.ق و با عضویت در انجمنی مخفی، معروف به «بین‌الطلوعین» آغاز شد و از ذیقعد ۱۳۲۳ ه.ق، این‌ فعالیت با عضویت اسدالله‌خان ابوالفتح‌زاده و برادرش سیف‌الله خان و ابراهیم‌خان منشی‌زاده در «انجمن مخفی دوم» تاوام یافت. در این انجمن، سیدمحمد صادق طباطبایی (پسر آیت‌الله سیدمحمد طباطبایی)، ناظم‌الاسلام کرمانی (نویسنده کتاب تاریخ بیداری ایرانیان) و



میرزا نصرالله ملک‌المتکلمین، از بستگان بهائیان در ازلیه

جریان ازلیه و بهائیه در دوران جنبش مشروطه، با ایجاد نفاق، ناامنی و ناآرامی در جامعه، نهایت استفاده را از فضای ممکن بردند تا آن را به سمت سکولار شدن هدایت کنند
تأدر نهایت با تغییر حکومت و روی کار آمدن حکومتی دین‌ستیز، جایگاه مهمی در تمام عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، نظامی و اقتصادی کشور
به‌دست آورند. اقدامات بهائیان در گروه‌های تروریستی، علاوه بر ترور علمای پایتخت، علمای مشروطه‌خواه نجف را نیز در گرفت.
چنان که شیخ‌عبدالله مازندرانی در نامه ۲۹ جمادی الثانی ۱۳۲۸ ه.ق، به حاجی محمدعلی بادامچی (از تجار مشروطه‌خواه تبریز) اشاره‌ای به این مسئله دارد: «چون مانع از پیشرفت مقاصدشان را فی‌الحقیقه به ما آفر، یعنی حضرت حجت‌الاسلام آقای آیت‌الله خراسانی (دام‌ظله) و حقیر منحصر دانستند، از انجمن سری طهران، بعضی مطالب طبع و نشر شد و جلوگیری کردیم، لهذا انجمن س سری مذکور که مرکز و به همه پلاد شعبه دارد و بهائیه (لعنهم‌الله تعالی) هم، محققا در آن انجمن عضویت دارند و شعبه‌ای در نجف‌اشرف … دارند، رای در امسده که نفوذ ما ۲ نفر تا حالا که استبداد در مقابل بود نافع و از این‌ به بعد مضر است، باید در سلسل این نفوذ بکوشند. اشخاص عوامی که به‌صورت طلبه محسوب می‌شوند، در این شعبه داخل و به همین اغراض در نجف اشرف اقامت دارند… مکاتباتی به‌دست آمده که بر جلانم خافیم…»

سخن پایانی

جریان ازلیه و بهائیه در دوران جنبش مشروطه، با ایجاد نفاق، ناامنی و ناآرامی در جامعه، نهایت استفاده را از فضای ممکن بردند، تا آن را به سمت سکولار شدن هدایت کنند تا در نهایت با تغییر حکومت و روی کار آمدن حکومتی دین‌ستیز، جایگاه مهمی در تمام عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، نظامی و اقتصادی کشور به‌دست آورند.

شنبه ۲۵ مرداد ۱۴۰۱
شماره ۸۵۶۷

تاریخ اسطور، ها

اساطیر و اساطیر وارها

کتاب «اساطیر و اساطیر وارها» نوشته سیروس شمیسا را انتشارات هرمس منتشر کرده است.
انسان از هزاره‌های پیشین تا همین امروز با اساطیر درگیر بوده و بی‌وقفه زندگی‌اش با حضور آنها گذشته است. کمتر متفکر، هنرمند و ادیبی را می‌توان نام برد که مسئله اساطیر و نقش‌شان در

تاریخ بشر و زیست –جهان انسان برایش واجد اهمیتی ویژه نباشد. اسطوره‌ها چه از نوع مقدم و چه از نوع متأخرشان، چنان بر همه جنبه‌های زیستن ما در جهان سایه انداخته‌اند که از جزئی‌ترین و خصوصی‌ترین لحظه‌های زندگی تا عمومی‌ترین وضعیت‌ها مثل حضور در مراسم تدفین، به آنها مرتبطند. سیروس شمیسا که سال‌هایتمادی عمرش را به نوشتن و پژوهش در حوزه‌های مختلف فرهنگ، هنر، ادبیات، فلسفه، روانشناسی و… گذرانده، مجموعه یادداشت‌هایی را که طی سالیان درباره اسطوره‌ها نوشته در قالب کتاب «اساطیر و اساطیر وارها» گرد آورده است. این یادداشت‌ها که حاصل تدقیق و تعمق در پدیده‌های پیرامونی نویسنده است، از چیستی و چرایی اسطوره‌ها تا نسبت‌شان با تاریخ، ادبیات، هنر، سیاست، دین و… را دربرمی‌گیرد. شمیسا از تماشای یک فیلم سینمایی گرفته تا حضور در مراسم عید پاک و واتیکان را رقه‌هایی در نوشتن یادداشت‌ها این کتاب می‌داند و با توجه به وسعت نظر و دامنه وسیع معلومات و قوه تحلیل‌اش، مجموعه‌ای خواندنی را به نام اساطیر و اساطیر وارها عرضه کرده است. انتشارات هرمس این کتاب ۶۵۵صفحه‌ای را به بهای ۲۲۰هزار تومان منتشر کرده است.

تاریخ اسلام

سیره امام رضاؑ

کتاب سیره امام رضاع) با زیر عنوان «در رویایی با تعارض‌های خاندان علوی» نوشته فاطمه ایزدشناس را انتشارات بوستان کتاب منتشر کرده است. وجود تعارض در میان جوامع و اعصار مختلف اجتناب‌ناپذیر است. امام

رضاع) هواره در پی‌پیشگیری از بروز هرگونه تعارض در جامعه و خاندان خود از طریق تبیین مسئله امامت و اعلام مشروعیت ناشستن حکومت و در نتیجه همکاری نکردن با او بودند. ضرورت توجه به‌نقش‌الگوی معصومان(ع) و نیاز جامعه امروزه را پرمانند علما و شیوه‌یابان به علویان چگونه نوپدید در جامعه، نویسنده این اثر را بر آن داشت تا با روش کتابخانه‌ای و اکتابر منابع دست اول و با شیوه‌ای تحلیلی، به این پرسش پاسخ دهد که شیوه رویارویی حضرت با تعارض‌های پرمانند علما و شیوه‌یابان به علویان چگونه بوده است؟ حضرت در زمان بروز تعارض‌های سیاسی و اجتماعی با شرکت نکردن در قیام‌ها و همچنین رفق و مدارا با افراد خاندان و گره‌گشایی از مشکلات آنها به رویارویی با تعارض‌ها پرداختند و راهکارهای ایشان را مواجهه با تعارض‌های فرهنگی و اعتقادی، معرفی شیعیه واقعی، امر به‌معروف و نهی از منکر، نخبه‌پروری، مبارزه با مبنای فکری نرستد و در پی آن تصحیح عقاید و گفت‌وگو و مذاکره با طرف افراد فرقه‌های منحرف نبود. اثر پیش‌رو، سیره امام رضاع) برای برطرف کردن این تعارض‌هاست. این کتاب ۱۵۲صفحه‌ای به بهای ۴۵هزار تومان منتشر شده است.

تاریخ ایران

رازهای ناگفته

کتاب «راز‌های ناگفته» خاطرات اردشیر زاهدی، وزیر پیشین امور خارجه و آخرین سفیر ایران در آمریکا با مقدمه و ویرایش محمود طلوعی از سوی نشر علم منتشر شده است. اردشیر زاهدی، مشاور مورد اعتماد و داماد سناجق آخرین شاه ایران و یکی از تأثیرگذارترین دیپلمات‌ها در دولت غرب گپا بود که قبل از

انقلاب اسلامی در تهران حکومت می‌کرد. گزارش‌ها و تأملات او بینشی از فلسفه حکمیت و سیاست خارجی شاه‌به‌دست می‌دهد. در دوران تصدی «دشیر زاهدی» به‌عنوان وزیر امور خارجه، رویدادهای مهمی ازجمله تاجگذاری شاه، استقلال بحرین و روابط ناسامان زاهدی با نخست‌وزیر به‌ششم می‌خورد. تحت نظارت «اردشیر زاهدی»، ایران با کشورهای متعددی رابطه برقرار کرد. در این دوره، ایران استقلال بحرین را پذیرفت، معاهده بین‌المللی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای رامضا کرد و با مضر رابطه برقرار کرد. جایگاه وزارت خارجه در ایران بالا رفت و سفارت‌خانه‌های ایرانی بیشتری در سرتاسر جهان افتتاح شد که دیپلمات‌های ایرانی در آنجا براساس شایستگی و نه سلسله‌خانوادگی‌شان استخدام می‌شدند. در «رازهای ناگفته» خاطرات اردشیر زاهدی بازگو می‌شود و خوانندگان از جزئیات روابط سیاسی و شخصی او با برخی از نامدارترین چهره‌های جهان سیاست و قدرت، مطلع خواهند شد. نشر علم کتاب «رازهای ناگفته» خاطرات اردشیر زاهدی، وزیر پیشین امور خارجه و آخرین سفیر ایران در آمریکا را با مقدمه و ویرایش محمود طلوعی در ۳۵۰صفحه، به بهای ۱۴۰هزار تومان برای چهارمین مرتبه تجدید چاپ کرده است.

